



منهدای از سریال

پاسخ به پرسش‌هایی درباره سریال «وست ورلد»

# شلیک از پارک فراواقعی

**ترجمه: هادی آذری**

فصل نخست «وست ورلد» جدای از اینکه اقتباسی زیبا از یک فیلم سینمایی برای صفحه نمایش کوچک تلویزیون است، بیننده را با سؤال‌های بسیاری تنها می‌گذارد. با پایان هر قسمت و وقتی‌که صحنه برای نمایش اسامی دست‌اندرکاران این مجموعه سیاه می‌شود، سؤالات یکی پس از دیگری به ذهن هجوم می‌آورند. این پارک براساس چه سازوکاری عمل می‌کند؟ آیا پارک خاموش می‌شود؟ و اگر چنین باشد برای میهمانان در این زمان چه اتفاقی می‌افتد؟ مرکز فرماندهی پشت صحنه کجا قرار دارد؟ این پارک چقدر وسعت دارد؟ اینها بخشی از سؤال‌هایی است که با دیدن فصل نخست «وست ورلد» ممکن است ذهنتان را به خود مشغول کند. وقتی برای اولین بار به محل فیلم‌برداری «ژوراسیک پارک» رفتم، طوری درباره این پارک علمی از سازندگان سؤال می‌پرسیدم، انکار که آن یک پارک واقعی است که وجود خارجی دارد. زیرا همه چیز آن قدر با دقت طراحی و تعبیه شده بود که نمی‌شد تصور کرد عنصری بدون دلیل در صحنه وجود داشته باشد. این همان چیزی است که به نظر درباره «وست ورلد» نیز با همه پیچیدگی‌هایش صادق است. جاناتان نولان که تعدادی از بهترین فیلم‌نامه‌های برادرش، کریستوفر نولان، را نوشته است، به نظر دوست دارد همه چیز از واقعیت ریشه بگیرد حتی وقتی که با ایده‌های علمی- تخیلی سروکار دارد. لیزا جوی، همسر و دستیار او، در این رابطه با اشاره به اینکه آنها همه قوانین این پارک را به دقت چیده‌اند، بر این باور است که نباید انتظار داشته باشیم که به‌صراحت به همه آن قوانین ناظر بر این پارک پرداخته شود. او دلیل این امر را در این می‌داند که بینندگان قرار است به‌صورت تدریجی و از درجه نگاه میزبانان با سازوکار این پارک آشنا شوند. بنابراین سازوکاری که برای ما اسرارآمیز به نظر می‌آید رفته‌رفته منطقی را بر ما هویدا می‌کند.

آنچه در ادامه می‌خوانید، پاسخ‌هایی است که من برای سؤالات خود از خلال گفت‌وگو با دست‌اندرکاران این سریال یافته‌ام.

### «وست ورلد» کجا قرار دارد؟

باید باور کنیم «وست ورلد» یک مکان فیزیکی واقعی است و نه یک دنیای مجازی. درحالی‌که بیشتر نمایهای بیرونی سریال در «کسل ولی» یوتا فیلم‌برداری شده‌اند. بااین‌حال، طبق گفته نولان، اینکه ما دقیقاً در کجا و چه زمانی قرار داریم، چیزی است که از درجه نگاه میزبانان به آن پی خواهیم برد.
**کجا چه زمانی دنیای بیرون را می‌بینیم؟**
همه این‌ حرف‌ها درباره خود پارک، ما را به این فکر می‌اندازد که این پارک کجا تمام می‌شود و اینکه در سرحدات آن چه چیزی انتظار ما را می‌کشد. آیا این آینده‌ای پس‌آلتر/زمانی است؟ یا بیشتر نسخه‌ای است آینده‌گرا از جامعه مدرن امروزان؛ چیزی شبیه آنچه در فیلم «گزارش اقلیت» به تصویر کشیده می‌شود؟ نولان در گفته‌هایش به ما یادآوری می‌کند که این نمایش تا حد زیادی به آن چیز محدود است که میزبانان از دنیای خود درک می‌کنند و ما نمی‌توانیم خیلی بیشتر از آنچه آنها دیده‌اند را ببینیم. او در این رابطه می‌گوید: «آنها چیز زیادی درک نمی‌کنند؛ آنها نمی‌دانند که دنیای بیرون چگونه است، آنها نمی‌دانند که دنیای بیرون در چه زمانی است. آنها رفته‌رفته دنیای بیرون را کشف خواهند کرد. بااین‌حال دنیای آنها مملو از ارجاعات فرهنگی است. دیالوگ‌های آنها به حقایقی بیرون از دنیای خودشان تلمیح و اشاره دارد؛ به‌عنوان مثال، موسیقی‌ای که در کافه پخش می‌شود، در یکی از موسیقی‌هایی که در سریال پخش می‌شود، به این مسئله اشاره می‌شود که میزبانان به وجود جهانی بیرون از جهان خود پی خواهند برد یا در قسمتی دیگر، یکی از شخصیت‌ها به عکسی نگاه می‌کند که انکار متعلق به جهان بیرون است.

### اسلحه‌ها چگونه کار می‌کنند؟

در «وست ورلد»، میهمانان پارک می‌توانند با سلاح‌هایشان به‌راحتی میزبانان را بکشند، ولی سلاح‌های میزبانان به نظر تأثیر چندانی بر میهمانان ندارد. نولان این قضیه را این‌طور توضیح می‌دهد: «این قضیه نه به اسلحه‌ها، بلکه به گلوله‌ها مربوط می‌شود. ما خیلی دراین‌باره فکر کردیم. در فیلم اصلی، اسلحه میهمانان روی میهمانان کارگر نیست، ولی ما فکر کردیم که شاید میهمانان در اینجا خواهان تجربه‌ای هیجان‌انگیزتر باشند. این‌گونه بود که ایده استفاده از گلوله‌های مشقی در سلاح‌های «میزبان‌ها» به ذهنمان خطور کرد؛ پس وقتی میهمان‌ها از سوی میزبان‌ها مورد اصابت گلوله قرار گیرند، نمی‌میرند، ولی رویشان تأثیر می‌گذارد». ولی سؤال اصلی این است که اگر یکی از میزبان‌ها سلاح یکی از میهمان‌ها را بگیرد و با مهمات واقعی شلیک کند، چه اتفاقی می‌افتد؟
**فیلم در چه زمانی می‌گذرد؟**
جاناتان نولان در یک ویدئوی پشت صحنه افشا می‌کند که این مجموعه در قرن ۲۱ به وقوع می‌پیوندد، اما اینکه در کجای قرن بیستم، چیزی است که ما نمی‌دانیم. یکی از شخصیت‌های «وست ورلد» ادعا می‌کند که ۳۰ سال است به اینجا سر می‌زند، اما به نظر این پارک تاریخچه طولانی‌تری دارد. آنتونی هاپکینز ۷۸ ساله، نقش شخصیتی به نام دکتر رابرت فورد را بازی می‌کند که ایده‌پرداز، سربرنامه‌نویس و مؤسس این پارک است. شاید او در ادامه به ما درباره عمر این پارک، سرخ‌هایی بدهد.
**کجا چقدر از داستان‌های مربوط به «میزبانان» به نگارش درآمده است؟**
ما در فصل اول می‌فهمیم که متخصصان تمام داستان‌های مربوط به «دنیای غرب» را نوشته‌اند. لیزا جوی به ما گفت که هر شخصیت خاص دارای مجموعه‌ای از خطوط داستانی است که به صورت چرخه‌ای مدام تکرار می‌شود. او در این رابطه می‌گوید: «مطمئناً تئوری علمی‌فکته در طراحی و تدوین چرخه‌های میزبانان مختلف نقش داشته است که برخی از این میزبان‌ها جزء شخصیت‌های اصلی و برخی‌شان نیز جزء شخصیت‌های فرعی‌اند. از لحاظ تئوری، داستان می‌تواند چنان اشکال به‌مراتب پیچیده‌تری به خود بگیرد که آنچه در فیلم می‌بینیم صرفاً نوک کوه یخ محسوب می‌شود. سپس بحث متوجه شکل واقعی «وست ورلد»، شهرهای مختلف آن و داستان‌هایی که در آنها جریان دارد، می‌شود. ورود به چنین موضوعی همیشه جالب است. درست مثل بازی کردن با مجموعه عظیمی از لگوهای فکری و ساختن الگوها و اشکال مختلف با آنهاست».



## لباس آبی دلارس

آبی به عنوان رنگ معصومیت و پاکی، تاریخی طولانی دارد. کافی است به تصاویر مریم مقدس نگاه‌ی بیندازید تا ببینید او همواره لباسی آبی به تن دارد. بااین‌حال، گریتری می‌گوید دلیل اصلی سازندگان از انتخاب رنگ آبی برای لباس دلارس را که قدیمی‌ترین ساکن این پارک است، نمی‌دانند. از نظر او، این رنگ که در غرب وحشی نیز وجود داشته، به بهتر دیده‌شدن او در صحنه‌ها کمک می‌کند.

مقوله بفرنج دیگر برای گریتری انتخاب کلاه برای بازیگران مرد سریال بوده است که در غرب وحشی آن روزگار شاید مهم‌ترین پوشاک مردانه

## سریال خارجی

### مکعب خاکستری

**فصل دوم «وست‌ورلد» در حال ساخت است**

### کلاه سفیدها؛ کلاه سیاه‌ها

شرق: «وست‌ورلد» (دنیای غرب) با آن لایه‌های داستانی پیچیده، بودجه صد میلیون دلاری و یک دو چین بازیگر سرشناس، نمونه یک سریال حماسی تلویزیونی مدرن است. این سریال که برگرفته از یک فیلم سینمایی به کارگردانی مایکل کریچتون به سال ۱۹۷۳ است، ملغمه‌ای است از ژانر وسترن، آینده در گذشته و رفت‌وآمدهای زمانی که در آن، یک پارک فراواقعی این امکان را به افراد ثروتمند می‌دهد تا رؤیاهای خود را به واقعیت بدل کنند؛ از جمله اینکه به افراد بدون هرگونه هراسی از مجازات، شلیک کنند. طبق گفته جاناتان نولان، تهیه‌کننده این سریال، زیبایی بصری و خط داستانی این سریال ملهم از بازی‌های ویدئویی است؛ سریالی که طبق اعلام نولان، فصل دوم آن در حال ساخت است. نولان که به همراه همسرش، لیزا جوی، ایده یک فیلم سینمایی را به سریالی تلویزیونی بدل کرده‌اند، گفته است آنها در فصل دوم این سریال قصد دارند به مسائلی بپردازند که در فصل نخست کمتر به آنها پرداخته شده است، هرچند شبکه HBO هنوز به طور

چه کسی است. خود هریس در این رابطه می‌گوید: «او ۳۰ سال است که اینجا می‌آید، ولی بار اولی که سیاه نبوشیده بود. این شخصیتی است که وی در سالیانی که به این مکان می‌آمده برای خود ساخته و پرداخته است. فکر می‌کنم وقتی اولین‌بار اینجا آمد، داشت بررسی می‌کرد که این مکان چه‌چور جایی است. من می‌توانم هر کاری که بخوام بکنم، می‌توانم اگر لازم باشد آدم بکشم یا با روسپی‌های رباتیک عجیب‌و‌غریب عشق‌بازی کنم. فکر می‌کنم در مقطعی، اتفاقی برای مرد سیاه‌پوش افتاده که ناگهان فهمیده این بخش تیره و خشنش بخشی واقعی از وجودش بوده که هیچ‌کدام در جهان واقعی تجربه‌اش نکرده است؛ بخشی که سال‌ها جامعه مدنی سرکوبش کرده و حالا می‌خواهد به آن میدان بدهد و ببیند چه پیش خواهد آمد، اما او از اینجابودنش، هدف بسیار ژرف‌تری نیز دارد. فکر می‌کند آنچه در این پارک رخ می‌دهد لایه‌ای عمیق‌تر هم دارد. نمی‌دانم چه‌چیزی هست و چرا، شاید شخصیت «تونی» مسئول چیزی است که در سطح نمی‌توان به آن پی برد. فکر می‌کنم که او بر این نظر است که هرچه به آشوب بیشتری دامن بزند و تخریب هرچه وسیع‌تری را جوامع هوش مصنوعی (A.I.) انجام دهد بهتر است؛ اما این تصادفی نیست. همیشه روایتی هست که در پی‌اش می‌رود. کسی سر اهش قرار می‌گیرد و او باید متهدمش کند.

**با زایدکنندگان پارک چقدر امنیت دارند؟**

با وجود استفاده از فشنگ‌ها و مهمات مشقی، امکان زخمی یا کشته‌شدن میهمانان پارک بسیار زیاد است. امکان دارد میهمانان به همدیگر حمله کنند، امکان دارد از اسب یا تصادفا در دره بیفتند. طبق تصور نولان، متقاضیان قبل از ورود به «وست ورلد»، باید یک رضایت‌نامه جامع را امضا کنند. در قسمت‌های اول، فرم پرکردن «میهمانان» نشان داده نمی‌شود، اما نولان از وجود چنین چیزی به ما می‌گوید. همه‌چیز طراحی شده تا «میهمانان» امنیت داشته باشند. به نحوی برنامه‌ریزی شده که «میزبانان» نه‌تنها بخش مربوط به خود را در این داستان پرش‌خ‌وبرگ بازی کنند که مهم‌تر از آن، در صورت به‌خطرافتادن امنیت «میهمان»، براساس برنامه

نویساری ازبیش‌تعیین‌شده، عمل نکنند.

نولان: یس‌ده‌گاه خود در این رابطه را این‌طور تشریح می‌کند: «ویژگی‌ای در این برنامه هست به نام «واکنش یا کارکرد سامری نیکوکار» که ایفا‌ی چنان نقشی را برای «میزبانان» فراهم می‌کند. پارک پر از «میزبانان»ی است که هم به‌خاطر مسئولیتشان و هم به دلیل برنامه‌ریزی ناخودآگاهشان، هرجا بتوانند همه‌جوره از «میهمانان» حمایت می‌کنند. بنابراین، اگر «میهمان» مستی، تاولتولکان به طرف یک پرگاه می‌رود، حتماً سروکله یک «میزبان» در آن اطراف پیدا می‌شود که بدون قطع روند داستان می‌کوشد به شیوه ملایمی مانعش شود. آنان از یک‌سو «گوشت دم‌توب»ند و از سوی دیگر، نگهبانان هم‌کاره این سرزمین».

**کجا بهای هر هلیت چقدر است؟**

برای ورود به «دنیای غرب» در کسوت یک «میهمان» چقدر باید هزینه کرد؟ آیا همه می‌توانند در این پارک تماشیک حضور یابند یا فقط مختص پولدارترین‌هاست؟ بازارپایی آن که نشان می‌دهد حضور در آنجا، روزانه ۴۰۰هزار دلار برای هر «میهمان» خرج برمی‌دارد. به نظر می‌رسد خلق چنین دنیای عظیمی خیلی خیلی گران تمام می‌شود. مطمئناً با بررسی بیشتر انگیزه‌های شرکت سازنده، این هم مشخص می‌شود.

از آنجا که روایت «وست‌ورلد» در زمان‌های مختلف

جریان دارد و شخصیت‌های مختلف و متنوعی را به تصویر می‌کشد، طراحی صحنه و لباس، برای آن کربتری، طراح لباس و گروهش، کار بسیار عظیم و دشواری بوده، هرچند فیلم‌های وسترن منبع خوبی برای الهام می‌توانند باشند، ولی نقطه شروع و آغاز گریتری نبوده‌اند. منبع اصلی او تصاویر باقی‌مانده از افرادی است که در دهه‌های ۱۸۵۰ و ۱۸۹۰ به‌راستی در «غرب وحشی» می‌زیسته‌اند. بخش وسیعی از این منابع تصویری، عکس‌های آدم‌های معمولی است که در آلبوم‌های خانوادگی به یادگار مانده است. دراین‌باره می‌گوید: «عکس‌ها جالب‌ترین و فردی‌ترین‌روش پژوهشند و در این عکس‌هاست که شما شخصیت حقیقی آدم‌ها را می‌بینید».

منبع: SLASHFILMS

### ادامه از صفحه ۱۰

## می‌خواستیم مدل خودمان باشیم

کجا از طرف صداوسیما سفارش کار به شما داده شد؟
امامی: بله با آقای رجبپور تماس گرفتند.
همایون: از زمانی که ساخت این کار را شروع کردیم یک‌روزیمن بیشتر طول نکشید.

امامی: معمولاً شعر و ساخت آهنگ و میکس و مسترینگ حدود هشت، نه روز طول می‌کشد؛ اما این پروسه برای دو تا از کارهای‌مان دوازده انجام شد. یکی «هیبات» بود و دیگری «خدا همین حوالیه» (فرمول یک). یک روز آقای رجبپور تماس گرفتند و گفتند می‌خواهم یک کار دلی برای امام حسین(ع) انجام بدهم و حامد هم بسیار استقبال کرد. حامد همان‌جا با یکی از دوستان صمیمی‌اش به اسم سهیل حسینی که شاعری بسیار تواناست، تماس گرفت و درجا شعر را نوشت. حامد ملودی را ساخت و من هم تنظیم کردم و به‌این‌ترتیب آهنگ «هیبات» در دو روز ساخته شد. درباره «هیبات» صددرصد از کار راضی هستم؛ اما اگر زمان بیشتری داشتیم، به‌نظم «خدا همین حوالیه» جا داشت به‌مراتب بهتر از این شود.

همایون: همیشه در ذهن بود اگر یک روز خدا این صدا را به من داد، در مراسم عزاداری امام حسین(ع) بخوانم؛ اما رویش را نداشتم. روزی که آقای رجبپور این پیشنهاد را دادند، سریع استقبال کردم. وقتی سهیل متن این شعر را می‌نوشت می‌گفت فقط دستم روی کاغذ می‌رود. این کار حتی ادیت هم نشد؛ کلام یک بار و ملودی یک بار، بدون یک نت ادیت.
کجا‌های‌تان را آکوستیک ضبط می‌کنید یا بیشتر کار با سینتی‌سایزر انجام می‌شود؟
امامی: بیشتر کار با کامپیوتر و نرم‌افزار است. البته بستگی به ژانر کار دارد.

همایون: به غیر از «هیبات» همه کارها را واقعاً جراحی کردیم. برای ترجیع‌بند «چتر خیس» محمدرضا ۲۵ بار نوشت تا چیزی که می‌خواستیم درآمد. دوست داریم آهنگی که مردم گوش می‌دهند، گوش‌نواز باشد، نه چیزی که صرفاً خودم دوست داشته باشیم. در آهنگ‌های جدید با احساسم خواندم و سعی کردم طوری بخوانم که مردم هم با من بخواند. موسیقی پاپ برای مردم است و ما وظیفه داریم‌کوش شنیداری جامعه را بهتر کنیم و آنها را سستی ببریم که از تکرار خارج شوند؛ به‌همین‌دلیل خودمان هم باید دائم به‌روز باشیم و فکر می‌کنیم این سخت‌ترین بخش کار ماست.

**کجا اولین کنسرت‌تان قرار است چه زمانی برگزار شود؟**

امامی: جشنواره فجر. دو اجرا آنجا خواهیم داشت و خارج از جشنواره شاید در چند شهرستان اجرای کوچک داشته باشیم. اولین کنسرت رسمی حامد همایون در تهران ۱۹ اسفند برگزار می‌شود؛ یعنی دقیقاً یک سال بعد از انتشار اولین قطعه.

**کجا ترانه چقدر برای شما اهمیت دارد؟ چون با ترانه‌سراهای مختلف**

**کار می‌کنید.**

همایون: تا الان با دو نفر بیشتر کار نکرده‌ایم؛ سهیل حسینی هفت کار را نوشته و محمدرضا نظری دو کار. بیشتر قطعات بعدی هم کار سهیل است. هیچ تعصبی روی ترانه‌سراها ندارم؛ حتی همین دوستانم که برای ترانه می‌نویسند، کارهای ترانه‌سراهای دیگر را به من نشان می‌دهند تا اگر دوست داشتم کار کنم.

**کجا چطور به این لحن رسیدید؟**

همایون: تابه‌حال به نقالی شاهنامه گوش داده‌اید؟ فکر نمی‌کنید لحن من خیلی شبیه آنهاست؟
چرا؟ دقیقاً.

همایون: معمولاً اساتید ادبیات با این لحن صحبت می‌کنند.
**کجا عمده‌ان را کار را انجام دادید؟**

امامی: بله، فکرشده بود. روزی که حامد به تهران آمد چنین ایده‌ای نداشت. این اتفاق از زمانی شکل گرفت که آقای رجبپور به حامد گفت: برو نوآوری کن و حامد خودش به این لحن رسید. البته حامد چند لحن مختلف را امتحان کرد، ولی هم خودش از این لحن خوشش آمد و هم ما پسندیدیم.

همایون: ریشه این نقالی هم به شاهنامه‌خوانی برمی‌گردد و هم لحن اصیل پارسی است. فکر می‌کنم مردم ایران از ناله و صدای زبانه خسته شده‌اند و احساس می‌کنم باید به کار، روح و انرژی داده شود.

**کجا این حس مثبت‌اندیشی در متن کارهای‌تان هم وجود دارد.**
همایون: اصلاً هدف‌مان همین است.

امامی: معمولاً به خاطر طرح ترفکیب با آژانس تردد می‌کنم و هر وقت در ماشین می‌نشیم، یکی از آهنگ‌های حامد را می‌شنوم. وقتی از راننده می‌پرسم این خواننده کیست، خوش‌بختانه همه او را به اسم می‌شناسند. قبلاً این‌طور نبود؛ یک آهنگی هیت می‌شد، اما باید دنبال خواننده‌اش می‌گشتی تا ببینی چه کسی آن را خوانده. الان حتی خیلی‌ها حامد را به چهره می‌شناسند. از این طرف و آن طرف می‌شنوم که همه از سبک خواندن حامد راضی هستند؛ چون شاد می‌خواند. خیلی خوش‌حالم که حامد حال جامعه را خوب کرده و فقط مثبت می‌خواند. خوشحالم که بنیان‌گذار این قضیه کسی بوده که از اول باور قلبی‌ام بود.

**کجا برنامه‌تان برای آینده چیست؟**

همایون: تلاش و بقیه را به خدا می‌سپارم. این دل‌نگرانی برای هر هنرمندی وجود دارد که وقتی به یک نقطه می‌رسد، از آن نقطه سقوط کند؛ ولی من با تمام وجودم تلاش و سعی می‌کنم در اجرای‌های زنده خیلی خوب باشم.

**کجا بهترین کنسرت‌های پایی که در تمام زندگی‌ام دیده‌ام کارهای آقای رجبپور هستند.**

همایون: افتخارم واقعاً کارکردن با ترانه شرقی است و دوست دارم این همه‌جا نوشته شود. ما در ایران خواننده خوب زیاد داریم و بین اطرافیانم ۲۰ خواننده بسیار خوب می‌شناسم، اما هیچ‌کس نمی‌شناسدشان. به نظر من وجود مدیریت برای هنرمند، یک امر لازم است.

امامی: آقای رجبپور این تخصص را دارد که یک خواننده را مطرح و در همان سطح نگه دارد. خیلی از خواننده‌های خوب را می‌شناسم که به خاطر برنامه‌های بی‌رویه تهیه‌کننده زمین خورده‌اند. متأسفانه در جامعه ما هنر بی‌رحم است. اگر از جایی‌که هستی سقوط کنی، دیگر بالا نمی‌روی و هرچه بیشتر بالا رفته باشی بدتر زمین می‌خوری.

**کجا آلبوم‌تان تا عید منتشر می‌شود؟**

امامی: قبل از کنسرت ۱۹ اسفند، آلبوم قطعاً آماده می‌شود.

**کجا آلبوم چند ترک دارد؟**

امامی: حامد غیر از «هیبات» هشت ترک دارد و چهار سینکل دیگر از او تولید می‌شود که جمعا دوازده قطعه می‌شود. هشت ترک هم در قالب یک آلبوم بیرون می‌آید؛ یعنی ۲۰ ترک در یک آلبوم منتشر می‌شود. از ۱۵ روز دیگر هفته‌ای یک ترک از حامد پخش می‌شود؛ چون برای اجرای جشنواره باید حداقل ۱۲ تا ۱۳ تا از آهنگ‌هایش شنیده شده باشد. چون آقای رجبپور از کم‌فروشی بدشان می‌آید برای اجرای زنده حامد حداقل ۲۰ قطعه اجرا خواهد کرد.